

گذشته جنبش کارگری را به چراغ راه آینده آن تبدیل کنیم

کمیته هماهنگی (منطقه تهران)

ششم فروردین ماه هشتاد و هفت

سالی که گذشت به سان همه سال های گذشته دیگر، برای توده های کارگر ایران سال گرسنگی، فقر، بیکاری و بیکار شدن های جدید، سال دستمزدهای بیش از حد نازل، گرانی بی حد و مرز قیمت ها، مرگ و میرهای انبوه زیر فشار نداری، پرتاب شدن کودکان هر چه بیشتر به حاشیه خیابان ها، محرومیت رقت بار از امکانات دارو و درمان، هراس و ترس و لرز مستمر از اجبار بیابان نشینی زن و فرزند به دلیل نداشتن اجاره بهای لازم خانه، سال تعویق مزدهای اندک برای ماه های ممتد، رواج هولناک تر قراردادهای کوتاه مدت، دستگیری و زندان و شکنجه بیشتر فعالان کارگری توسط ماشین سرکوب دولت سرمایه داری، شلاق خوردن در ملاء عام، گسترش هرچه بیشتر فحشا و اعتیاد ناشی از فقر و گرسنگی، شمار انبوه تر خودکشی ها و خود به آتش کشیدن ها برای رهایی از شر مشاهده روزمره بی نانی فرزندان و در یک کلام سال تشدید تمامی بندهای استثمار و بردگی و مشقات و همه سیه روزی های ناشی از کارگر بودن و برده مزدی سرمایه بودن بود.

در این سال فشار فزاینده سرمایه بر زندگی کارگران به طور طبیعی گسترش مستمر امواج نارضائی و خشم و عصیان طبقه کارگر را به دنبال داشت. فقط جمعیت ۳ تا ۴ هزار نفری کارگران نیشکر هفت تپه در طول این سال ۱۱ بار دست به اعتصاب زد. این کارگران به دفعات چرخ کار و تولید را به طور کامل از کار انداختند تا شاید کارفرمایان و دولت آن ها را به پرداخت دستمزدهای معوقه خویش مجبور سازند. اعتصاب این کارگران با ابراز همدردی ها، همبستگی ها و همدلی های همزنجیران آنها در بسیاری از نواحی کشور و در شمار زیادی از مراکز کار و تولید روبه رو گردید. کارگران غالب کارخانه های خوزستان و پاره ای مناطق دیگر از مبارزات کارگران حمایت کردند و خواستار قبول مطالبات آنان از سوی حکام سرمایه شدند. پایداری کارگران بر ادامه مبارزه و توسل دسته جمعی آنان به اعمال قدرت در مقابل فشار رژیم و سرمایه داران مهم ترین سلاحی بود که پیروزی آنان را هر چند در سطحی بسیار محدود و نازل در پی داشت.

در کارخانه لاستیک سازی البرز کارگران به یک تحصن طولانی یک ماهه دست زدند. آنان در اعتراض به تعطیل کارگاه و بیکاری همگانی خویش کفن پوشیدند تا به این ترتیب خطاب به صاحبان سرمایه و دولتمردان بی رحم نظام سرمایه داری اعلام کنند که برای رهایی از جهنم وحشت و دهشتی که سرمایه بر آن ها تحمیل کرده است آماده مرگ اند. این کارگران یک ماه تمام هر روز در درون کارخانه و در منطقه ای که از همه سو در محاصره نیروهای مسلح سرمایه قرار داشت اجتماع کرده و بر ادامه مقاومت خویش تا حصول مطالباتشان پای فشردند.

یخچال سازی خرم آباد شاهد وقوع سطحی دیگر از نمایش قدرت توده های کارگر بود. در اینجا کارگران با سازمان دادن قدرت جمعی خویش مقاومت چشمگیری را در مقابل سرمایه داران و دولت آن ها به نمایش نهادند. آنان با آگاهی

و درایت ضد سرمایه داری خود بسیاری از نیرنگ ها و توطئه های کارفرمایان را نقش بر آب ساختند. به طور سازمان یافته و مصمم از شهر محل سکونتشان به تهران شتافتند، دفتر مرکزی کارخانه را در محاصره خویش قرار دادند، پیچ و خم مقاومت را بر اساس نیازهای حاضر توسعه و تداوم مبارزه طی کردند، بسیار قدرتمندانه و قاطع مدیر عامل کارخانه را به اسارت خویش در آوردند و سرانجام سرمایه داران و عمال دولتی سرمایه را مجبور ساختند که به حرف آنان توجه نمایند. کارگران رهایی مدیر عامل شرکت را به قبول خواسته های خود موکول کردند.

راه پیمائی متحد ۹۰۰ کارگر شهر نیشابور در روز ۲۶ آبان این سال برای مدتی طولانی در مسیر خیابان های شلوغ و پرتدد این شهر نیز از رخدادهای مهم جنبش کارگری ایران در این سال بود. این راه پیمائی در اعتراض به بیکارسازی ها، عدم پرداخت به موقع دستمزدها و برای تحقق پاره ای مطالبات دیگر بر صاحبان سرمایه انجام شد. کارگران تمامی واحدهای صنعتی شهر از جمله قند نیشابور، شرکت ایران شعله، شرکت آسایش، یخچال سازی آزمایش، یخچال سازی البرز، شرکت آریا شرق و همه کارخانه های دیگر در آن مشارکت کردند. کارگران به صورت برنامه ریزی شده در ساعت معین از مراکز صنعتی مختلف و از نواحی پراکنده نیشابور خود را به محل تعیین شده برای تجمع رساندند و در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح راه پیمائی اعتراضی خود را آغاز کردند.

کارخانه شاهو در کردستان نیز برای مدتی طولانی شاهد اعتصاب و جنب و جوش های اعتراضی پرشور کارگران با هدف تحمیل مطالبات خود بر کارفرمایان بود. در اینجا نیز کارگران به طور متحد دست از کار کشیدند و محیط کارگاه را به میدان مقاومت در مقابل تهاجمات نیروهای ضد شورش بورژوازی تبدیل کردند. همسران و فرزندان و سکنه کارگر همزنجیر اعتصاب کنندگان به حمایت از کارگران وارد صحنه جدال شدند. آنان روزها در مقابل درب ورودی و خروجی شاهو اجتماع کردند و اعلام داشتند که این همبستگی و همدلی را تا پیروزی نهائی کارگران اعتصابی ادامه خواهند داد. عزم مصمم مبارزان کارگر و حمایت قابل توجه افراد خانواده و همزنجیران دیگر آن ها از مطالبات کارگران سبب شد که صاحبان سرمایه و دولت آن ها در مقابل اراده کارگران تسلیم شوند. این اعتصاب با پیروزی کارگران پایان یافت و کارفرما متعهد شد که سرویس ایاب و ذهاب را هر چه سریعتر دایر کند، ۴۴ ساعت زمان کار هفتگی را به رسمیت بشناسد، دستمزدها را در موقع معین پرداخت نماید، مشکل بازنشستگی ۳۰ کارگر کارخانه را حل و فصل کند، تأمین یک وعده غذای گرم کارگران را تضمین نماید و برای بهبود وضعیت بهداشت محیط کار چاره ای بیندیشد.

کارگران صنایع مخابراتی راه دور در استان فارس نیز به رغم تحمل پاره ای شکست ها توانستند بخشی از مطالبات خود را بر کارفرمایان تحمیل کنند. تحصن و تجمع و پافشاری جدی بر ادامه اعتراض سبب شد که بالاخره کارفرما در مقابل خواست کارگران برای پرداخت ۸ ماه حقوق معوقه دست به عقب نشینی بزند. مبارزات کارگران علیه سیاست های ضدکارگری صاحبان مؤسسه هنوز ادامه دارد و بازگشت به کار مهم ترین موضوعی است که نیروی مبارزه کارگران حول آن متمرکز گردیده است.

از موارد بالا که بگذریم می توان به اعتصابات، تحصن ها، اجتماعات، و شمار فراوان دیگری از مقاومت ها و مبارزات کارگران در طول سال گذشته و در مراکز مختلف کار و تولید در سراسر کشور اشاره کرد. ۴ بار اعتصاب در کارخانه پروفیل ساوه و اقدام کارگران به ننگه داری مدیرعامل شرکت تا ساعت ۱۱ شب، اعتصابات متعدد

کارگران نیرورخش در شهر سنندج، اعتصاب یک ماهه کارگران سد گاویشان، اعتراض معدنچیان سنگرود، مبارزات کارگران قوه پارس، تحصن و اعتراض در شرکت رامشیر عسلویه و حمله قهرآمیز کارگران به مراکز اداری و محل کار عوامل سرمایه، اعتصابات مکرر کارگران بنادر استان بوشهر، مبارزات مستمر و خشمگین معلمان در سراسر جامعه، اعتراض کارگران شرکت سویل در حوزه پارس جنوبی، مبارزه کارگران کارخانه آزمایش مرودشت در اعتراض به اخراج همزنجیران خویش، اعتراض ۲۰ هزار کارگر کارخانه های کود شیمیائی در مناطق مختلف، اعتصاب و تحصن کارگران در گونی بافی سماء، شیر و لبنیات سقز، کاغذ سازی پارس، شیلات شمال، بافت بلوچ، شرکت پونل در پاکدشت، چینی همگام، قند دزفول، قند اقلید، کارخانه قند بردسیر، کاشی سازی بروجرد، فرش البرز، ایران کنف رشت، نساجی کردستان، آب و خاک کرمانشاه، پارسیلون، کشتارگاه کرمانشاه، شرکت پارس حساس و شرکت گاما در حوزه نفت و گاز عسلویه فقط نمونه هایی از جنب و جوش ها و خیزش های انبوه کارگران در طول این سال را تشکیل می دهند.

بدون هیچ گونه شعارپردازی و اغراق می توان گفت که مبارزات، عصیان و خشم توده های کارگر علیه شدت استثمار، مظالم، جنایات و بی حقوقی های رایج نظام سرمایه داری در شرایط موجود تجسم کارزار سرکشی است که در همه زوایای جامعه، در وسعت تمامی مراکز کار و تولید و در بیشتر عرصه های حیات اجتماعی، میان دو طبقه اساسی جامعه جریان دارد. اعتراضات همه جا حاد و جدی است، کارگران وسیعاً در حال مبارزه و ابراز خشم و عصیان علیه وضعیت موجودند. امواج نارضائی و قهر نسبت به این همه استثمار و شرارت و درندگی همه جا در حال طغیان است. با این همه آنچه که بسیار اساسی، غم انگیز و سخت تکان دهنده است دستاوردهای نامحسوس و بیش از حد نازل این مبارزات، بی نتیجه ماندن غالب اعتراضات و خیزش ها، فشار فرساینده بن بست های موجود بر سر راه هر سطح پیروزی این پیکارها و در یک کلام آرایش قوای بسیار رقت بار و نامتوازی است که به طور بسیار جدی و در مقیاسی سراسری به زیان طبقه کارگر و به سود نظام سرمایه داری بر فضای گسترده کارزارها تسلط دارد. بحث اصلاً بر سر این نیست که باید بیشتر از چنبره سکوت خارج شد، جسورتر به میدان آمد، بیشتر اعتراض کرد و یا گسترده تر وارد میدان مصاف شد. معضلات و مشکلات اساسی نه در این حوزه و این سطح بلکه در زمینه های دیگر و در سطوح دیگری قرار دارند. ببینیم این مشکلات و موانع اساسی کدام اند و برای غلبه بر آن ها چه می توان کرد و به کدام چاره اندیشی ها می توان روی آورد. این معضلات یا حداقل بارزترین و حادثترین آن ها از دید ما عبارتند از:

۱. محصور بودن مبارزات در چهاردیواری کارگاه، گسیختگی و پراکندگی رقت بار اعتراضات و این که گویا درد کارگران هر کارخانه یا هر مرکز کار فقط درد و رنج خود آن هاست و کلاف سردرگم مشکلات نیز باید در محدوده مناقشات بین کارگران آنجا با کارفرما گشوده شود. این یکی از فرساینده ترین و مهلک ترین بن بست های موجود مبارزات در همه قلمروها است. باید بسیار قاطع و شفاف اعلام داشت که شروع اعتراض و پیکار در هر محل کار یک امر طبیعی است اما امید به موفقیت پایدار مبارزه در محدوده کارگاه و کارخانه امری کاملاً واهی و خیالبافانه است. ما در دوره ای زندگی می کنیم که رقابت میان توده های کارگر دنیا و کارگران هر جامعه جداگانه، برای فروش نیروی کار و تأمین نان روزانه بسیار حاد، گسترده و رقت بار است. سرمایه داران جهان و ایران این وضعیت

را بسیار خوب درک کرده اند. آنان در یک چشم به هم زدن کارگر ارزان بهای چینی و هندی و سنگاپوری را با نیروی کار اندکی گرانتر کارگر آلمانی یا فرانسوی و نیروی جایگزین می سازند. سرمایه داران و دولت های آن ها شرق و غرب عالم را به هم می دوزند تا به کارگیری نیروی کار هر چه ارزان تر و شبه رایگان تر را وثیقه فشار بر سطح دستمزدها در کل جهان سازند و از این طریق هدف خویش برای افزایش هر چه انبوه تر سود سرمایه ها به زیان سطح معیشت و بهای بازتولید نیروی کار کارگران دنیا را محقق کنند. مبارزات پراکنده، اعتصابات منفرد و گسیخته در محدوده این کارگاه و آن مرکز کار و تولید هیچ گاه علاج درد توده های کارگر دنیا در هیچ سطحی نبوده است و نمی تواند باشد. اما عقیم بودن و بی حاصلی و محکوم به شکست بودن این نوع جنب و جوش و خیزش ها در شرایط موجود از غالب دوره های گذشته هم بسیار عیان تر و بارزتر است. از این ها که بگذریم، مسئله بسیار اساسی تر و سرنوشت سازتر این است که کارگران یک طبقه اجتماعی و بین المللی هستند. مطالبات آنان همه جا همگون و همجنس است. همه آن ها از استثمار شدن توسط سرمایه رنج می کشند. گرسنگی و فقر و بی مسکنی و بی بهداشتی و همه اشکال محرومیت اجتماعی آن ها مصائبی هستند که در همه جای دنیا و در تمامی زوایای یک جامعه معین از سوی سرمایه داری بر آن ها تحمیل می شود. به همین وضع موجود دامنگیر خودمان در ایران نگاه کنیم. کل اعتصابات، اعتراضات، تحصن ها، راه پیمائی ها و جنب و جوش های سال گذشته و سال های گذشته ما در تمامی مراکز کار و تولید و در کلیه مناطق کشور حول محور مطالباتی واحد بوده است. در همه جا صدای اعتراض ما علیه تأخیرهای طولانی چند ماهه پرداخت دستمزدها، علیه سطح بیش از حد نازل بهای نیروی کار، علیه بیکاری و بیکارسازی ها و در یک کلام علیه شدت استثمار و حدت و سهمگینی جنایات سرمایه داران و نظام سرمایه داری بلند بوده است. ما در همه جا دردها و رنج های واحدی را فریاد کرده ایم. حرف های یکسانی داشته ایم. دشمنان ما در همه مرکز کار و تولید و همه شهرها و همه جهان آدم هایی از جنس هم هستند. تمام آنان صاحبان سرمایه هستند. رابطه میان ما و آن ها در سراسر جامعه و در چهارگوشه جهان رابطه خرید و فروش نیروی کار، رابطه استثمار ما توسط سرمایه، رابطه تبدیل محصول کار و زحمت و رنج ما به سرمایه و سود سرمایه داران، رابطه ساقط شدن هر چه بیشتر ما از هر نوع حق و حقوق اجتماعی، رابطه تحکیم و بازتحکیم بدون انقطاع پایه های تسلط سرمایه بر ماست. ما به اعتبار هستی خویش به مثابه یک طبقه اجتماعی و جهانی نیروی بسیار عظیم و مقتدر و نیرومندی هستیم اما در چهاردیواری محدود این کارخانه و آن مدرسه و این یا آن مرکز کار و تولید، بسیار ضعیف، شکننده و شکست پذیریم. پس باید متحد شویم. متشکل گردیم. باید به صورت یک طبقه در مقابل سرمایه داران و دولت آن ها بایستیم. اعتصاب ما در نیشکر هفت تپه باید توسط نیروی متحد و متشکل همه توده همزنجیر ما در نفت، نوب آهن، حمل و نقل، بنادر، شیلات، معادن، مدارس، بیمارستان ها، دانشگاه ها، فروشگاه ها، خودرو سازی ها، نساجی ها، آب و برق، راه و ساختمان و در همه حوزه های دیگر پشتیبانی شود. همه این ها نیازمند آن است که ما در هر کجا که هستیم و در هر کارخانه و هر شهر و استانی که کار می کنیم از درون یک سازمان سراسری متحد دست در دست هم داشته باشیم. نیروی پیکار ما مادام که در چنین ظرفی به هم گره نخورد و مادام که تبدیل به قدرت واحد یک طبقه اجتماعی نشود، قادر به درمان هیچ دردی نیست. مادام که فاقد این همبستگی و پیوند مستحکم طبقاتی هستیم اگر دنیایی هم مبارزه کنیم باران قدرت پیکار طبقاتی ما در باتلاق و شن زار پراکندگی و تشتت هرز خواهد رفت. برای

این که قطره قطره قدرت مبارزات مان سیل آسا نیروی سرکوب و مقاومت دشمن را در خود غرق کند باید به طور سراسری متشکل شویم. هیچ چاره دیگری نیست.

۲. در مورد اهمیت متشکل شدن و ضرورت اتحاد و حتی چگونگی ساختار تشکل و مانند این ها فراوان بحث کرده ایم. یک حرف بسیار اساسی در این میان آن است که صرف سازمان یافتن حتی صرف ایجاد یک سازمان سراسری با اسم و رسم کارگری هم ممکن است حلال هیچ مشکلی نباشد. چنین سازمانی حتی ممکن است شرایط مبارزه و اعتراض را برای طبقه ما را بدتر و دشوارتر سازد. حتی می تواند ما را در مقابل سرمایه داران و نظام سرمایه داری از حالا هم بیشتر خلع سلاح کند. حدود ۶۰٪ کارگران آلمان، بالغ بر ۸۰٪ کارگران اسکانديناوی، درصد بسیار بالایی از کارگران سایر کشورهای اروپای غربی و کانادا و جاهای دیگر ظاهراً متشکل هستند و از حق اعتصاب برخوردارند و خیلی حرف های دیگر که در این مورد بر سر زبان ها جاری است. اما این نوع متشکل شدن نه مبین تشکل و اتحاد کارگران برای تحمیل مطالبات اساسی خود بر سرمایه داری و نه بسیج متحد و متمرکز قدرت طبقاتی علیه نظام بردگی مزدی که، کاملاً برعکس، رفتن با پای خود در باتلاق تسلیم و تمکین و اسارت هر چه هولناک تر نظام سرمایه داری است. ما نیازمند متشکل شدن در ظرفی هستیم که قدرت طبقه ما را به طور واقعی در مقابل سرمایه داران و دولت آن ها به نمایش گذارد. تشکل سراسری و ضدسرمایه داری ما باید سنگر مبارزه فراگیر و متحد همه ما برای تحمیل مطالبات اساسی مان بر صاحبان سرمایه و دولت آنها گردد. ما نمی خواهیم از درون تشکل خویش با کارفرمایان و نمایندگان دولتی سرمایه بر سر اندکی افزایش بهای نیروی کارمان چانه بزنیم، به این دلیل بسیار روشن که این چانه زدن هیچ مشکلی از مشکلات ما حل نمی کند، برعکس، ما را دست و پا بسته تسلیم قدرت مسلط سرمایه می سازد و کل قوای پیکار ما را در باتلاق سازش با نظام بردگی مزدی غرق می کند. فرض کنیم که یک سازمانی با اسم و رسم کارگری داشته باشیم. عده ای هم زیر نام نماینده ما در صدر آن قرار گیرند. هر سال هم با کارفرمایان و دولت آن ها بر سر تعیین میزان دستمزدها چک و چانه بزنند و نهایتاً در چهارچوب مصالح سودآوری هر چه بیشتر سرمایه ها بر سر سطحی از بهای نیروی کار ما توافق کنند. در آن صورت تنها حادثه ای که اتفاق افتاده است این است که همین وضعیت رقت بار کنونی، همین درجه حاد استثمار و بی حقوقی و سیه روزی مان شکل قانونی پیدا کرده است و نهاد دیگری زیر نام خود کارگران برای تحمیل این وضعیت بر ما، به دستگاه های سرکوب و نهادهای پلیسی و اداری نظام سرمایه داری اضافه شده است، چیزی که سال هاست زیر نام "اتحادیه کارگری" در بسیاری از ممالک جهان وجود دارد و همین کار را هم انجام می دهد.

ما احتیاج به تشکلی داریم که به طور واقعی ظرف اتحاد و تمرکز مبارزه ضدسرمایه داری طبقه مان باشد. مبارزه ضدسرمایه داری برای ما دارای معنای بسیار شفاف، دقیق و قابل لمسی است. به طور حی و حاضر برای این که بتوانیم یک زندگی ساده انسانی داشته باشیم، برای این که افراد خانواده مان اسپر گرسنگی نباشند، برای این که خود و بچه هایمان از بی لباسی و برهنگی رنج نکشیم، برای این که کودکانمان زیر فشار فقر به حاشیه خیابان ها پرتاب نشوند، برای این که دائماً به خاطر نداشتن اجاره بهای مسکن تهدید به بیابان نشینی نگردیم، برای این که از برق و آب آشامیدنی محروم نمائیم و در یک کلام برای این که مثل انسان زندگی کنیم احتیاج داریم که دستمزدهایمان با رجوع به محصول کار و تولید سالانه مان تعیین گردد. ما به صورت بسیار ساده و با محاسبات سرانگشتی نشان

داده ایم که در جامعه ما با توجه به سطح کنونی محصول کار و تولید اجتماعی حتی در همین شرایط هولناک استثمار و توحش سرمایه باز هم باید از یک دستمزد ماهانه ۶۰۰ هزار تومانی به عنوان حداقل دستمزد برخوردار باشیم. در همین محاسبات نشان داده ایم که این سطح دستمزد حق مسلم هر انسانی در این جامعه است. توضیح داده ایم که بیکاری جرم کارگر نیست. سرمایه دار و دولت سرمایه داری است که انسان ها را از کار بیکار می کند. به همین دلیل حق مسلم هر کارگر بیکار است که همین ۶۰۰ هزار تومان دستمزد را حتی در ایام بیکاری نیز داشته باشد. در همین راستا نوشته ایم و با دلیل نشان داده ایم که کلیه امکانات لازم برای دارو و درمان و بهداشت کاملاً رایگان برای همه کارگران وجود دارد. بسیار صریح خاطر نشان ساخته ایم که هر زن خانه دار باید حقوق کامل یک کارگر شاغل در سطح همان ۶۰۰ هزار تومان در ماه را دریافت دارد و امکان پرداخت این میزان دستمزد به آنان از همه جهت فراهم است. در تکمیل همین مسائل توضیح داده ایم که هر انسان زیر ۱۸ سال باید از یک مستمري ثابت برخوردار باشد و نشان داده ایم که در همین جهنم استثمار و بربریت سرمایه باز هم امکانات تحقق این خواست وجود دارد. مبارزه ضد سرمایه داری در وهله نخست مبارزه برای تحمیل همین حقوق مسلم بر صاحبان سرمایه و دولت آن ها است. تشکل ضد سرمایه داری و سراسری نیز ظرفی است که کل قدرت مبارزه طبقه ما را یکجا برای تحمیل همین مطالبات پایه ای بر این نظام بسیج و متمرکز می سازد. اگر ما بتوانیم چنین کنیم، اگر بتوانیم به طور سراسری و متشکل حول تحقق این خواسته ها وارد مبارزه شویم و اگر این مبارزه و متحد شدن و متشکل گردیدن را فقط با اتکا به نیروی طبقه خود انجام دهیم، آنگاه عملاً یک جنبش واقعی ضد سرمایه داری را سازمان داده ایم. جنبشی که طبعاً طبقه سرمایه دار و دولت این طبقه هم در رویاروی آن و برای به شکست کشاندن و سرکوب آن وارد میدان خواهند شد. محور تمرکز این جنبش رابطه خرید و فروش نیروی کار یا همان رابطه تولید ارزش اضافی است. ما خواستار آنیم که درصد هر چه بیشتری از محصول کار و تولید سالانه مان صرف معیشت و رفاه همگانی و امکانات اجتماعی مورد نیازمان شود، در مقابل طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داران نیز می خواهد که سهم هر چه عظیم تری از این محصول کار و تولید را به اضافه ارزش و به سرمایه جدید خود مبدل سازند. ارتش پیکار ما در این میدان مبارزه طبقاتی، قدرت متشکل و متحد آحاد طبقه مان است. طبقه سرمایه دار نیز با دولت و نیروهای نظامی و انتظامی و زرادخانه سرکوب خود در همین میدان به سراغ ما خواهد آمد. در همین جا است که ما باید تلاش کنیم که نیرومندتر شویم، آگاه تر گردیم، و چاره اندیش تر مبارزه کنیم. قدرت تعرض خود را بالا ببریم و به میزانی که این قدرت پیکار را بالا می بریم مطالبات اساسی تر و مهم تر و تعیین کننده تری را بر دشمن تحمیل کنیم. در همین جاست که برابری کامل حقوق زن و مرد، الغای کامل کار کودک، آزادی های سیاسی و همه مطالبات طبقاتی و ضد سرمایه داری خویش را یک به یک سنگر مبارزه ضد سرمایه داری می سازیم. در اینجا هر پیشرفت ما یک عقب نشینی سرمایه و هر تعرض سرمایه به طور واقعی یک عقب نشینی ماست. ما در همین راستا با تمرکز بیشتر و بیشتر قدرت طبقه مان، دولت سرمایه داری را به چالش می کشیم و جاده استقرار جامعه نوین را هموار و هموارتر می سازیم. مبارزه ضد سرمایه داری یعنی همین، و سازمانیابی ما باید برپایی ظرفی متناسب با پیشبرد این مبارزه باشد، ظرفی که از درون آن به صورت یک طبقه در مقابل نظام سرمایه داری قرار گیریم. هر حلقه مبارزه را به کانون آگاهی بیشتر طبقاتی خود تبدیل کنیم، از مطالبه ای به مطالبه بالاتر، از سطح پائین تر آگاهی به سطح شناخت

و آگاهی شفاف تر، از انسجام کمتر به سازمانیافتگی قوی تر و مستحکم تر، از بی افقی به افق روش رهایی و از پلکان نازل تر اعمال قدرت به قله رفیع اقتدار علیه سرمایه صعود کنیم. در همین گذر است که آگاه تر و نیرومندتر و افق دارتر و متحدتر و متشکل تر می شویم و سرانجام کل وضعیت موجود را تغییر می دهیم.

۳. در سال ۸۶ نیز مثل همه سال های قبل تعطیل شدن کارگاه ها و بیکارسازی به استناد فقدان امکانات ادامه کار یکی از رایج ترین و وسیع ترین حوزه های کشمکش میان کارگران و سرمایه داران بوده است. دروغ بودن و عوام فریبی کارفرمایان در این زمینه ها نیازمند هیچ توضیحی نیست. در شرایطی که بر پایه تمامی آمارها و ارقام منتشره از سوی مرکز آمار دولت سرمایه داری، صاحبان سرمایه های کوچک و بزرگ در قبال هر تومان دستمزدی که به ما پرداخت می کنند ۱۲ تومان سود نصیب خود می سازند، این حرف که گویا امکان ادامه کار برایشان وجود ندارد فقط عوام فریبی و شیادی است. تمام بحث بر سر این است که سرمایه در جستجوی سود افزون تر آن هم در جامعه ای مانند ایران که جنبش کارگری در بدترین وضعیت قرار دارد و قادر به مهار هیچ تهاجم و توحش هیچ صاحب سرمایه ای نیست خیلی سریع یک عرصه کم سودتر را رها کرده و به سراغ عرصه پرسودتر می رود. در قبال این اقدام سرمایه داران ما نیز باید راهکار مؤثر مبارزه را انتخاب کنیم. اما به کارگیری این راهکار باز هم نیازمند متشکل شدن و اعمال قدرت جمعی است. ما می توانیم کارگاه را با همه دار و ندار سرمایه داران مصادره کنیم. می توانیم شورای محل کار تشکیل دهیم. از فروش کارگاه و وسایل آن جلوگیری کنیم و خود تولید و کار کارگاه را برنامه ریزی نمائیم. برای این کار اما اولاً قدرت متحد و سازمان یافته ای می خواهیم که توان مقابله با تهاجم کارفرمایان و دولت را داشته باشد. این بدان معنی است که باید به سهم خود برای ایجاد همان تشکل سراسری و ضدسرمایه داری تلاش کنیم. ثانیاً نیاز به پول داریم تا مواد اولیه و مایحتاج تولید را خریداری کنیم. همزنجیران ما در جوامعی مانند آرژانتین و برخی جاهای دیگر در طول چند سال اخیر برای پیشبرد موفق این راهکارها تجارب ارزنده ای کسب کرده اند. آنان به طور مثال در یک خیزش همگانی رادیکال یکی از بزرگراه های اصلی تجاری کشور را بستند و اعلام کردند که تا قبول پرداخت کل هزینه لازم برای راه اندازی کارگاه از سوی دولت به راهبندان ادامه خواهند داد. کارگران آرژانتین در این سال ها از این نوع کارها فراوان انجام داده و غالب این خیزش ها را با موفقیت کامل به سرانجام رسانده اند. اگر ما خود را سازمان دهیم، اگر کارگران نفت و آب و برق و پتروشیمی و حمل و نقل و ... در این سازمانیابی دست در دست هم بگذاریم، آنچنان نیروی عظیمی خواهیم داشت که از عهده هر کاری بر خواهیم آمد. کافی است که فقط یک روز رانندگان تریلرهای جاده بندرعباس - تهران یا کارگران پالایشگاه های نفت آبادان و تهران، یا کارگران آب و برق کشور، یا کارگران شرکت واحد، یا پرستاران بیمارستان ها، دست از کار بکشند تا تک تک سرمایه داران در تهران و اهواز و شمال و شرق و غرب و دولت آن ها مجبور به قبول خواسته های ما شوند. اگر نخستین اخگر این نوع اعمال قدرت های جمعی کارگری در آسمان کشور پدیدار شود آنگاه اعتصابات معلمان به سادگی دچار شکست نخواهد شد، ما را از صدها کارخانه به جرم عدم امکان ادامه کار اخراج خواهند کرد. برای مقابله با توطئه سرمایه داران در زمینه تعطیل کارخانه ها و پرتاب کردن ما به باتلاق بیکاری و گرسنگی باید تدارک لازم در زمینه مصادره این واحدها و برنامه ریزی کار و تولید آن ها توسط شوراهای کارگری در دستور کارمان باشد. این امر، همان گونه که گفتیم، می تواند و باید بر بستر تلاش و مبارزه برای ایجاد تشکل ضدسرمایه

داری و سراسری ما صورت گیرد.

اگر ما در سراسر کشور و از درون تمامی مراکز کار و تولید حول حداقل دستمزد ۶۰۰ هزار تومان در ماه، دارو و دکتر و درمان رایگان، حقوق کامل دوران اشتغال برای کلیه بیکاران، مستمری کافی برای تمام افراد زیر ۱۸ سال، حقوق کامل یک کارگر شاغل برای کار خانگی و نظایر این ها دست در دست هم نهم چنان شط خروشان نیرومندی از قدرت طبقاتی کارگری علیه سرمایه به راه خواهیم انداخت که هیچ نیرویی قادر به مهار آن نخواهد بود. بیائید در هر کجا که هستیم برای تحقق این هدف دست به کار شویم.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۸۷/۱/۶

www.hamaahangi.com

hamaahangi@gmail.com